

۲۰۰۲

## معرفی زاله اصفهانی، زن بی‌گزیده سال ۲۰۰۲

### کنفرانس بین‌المللی بنیاد پژوهش‌های زنان ایران

#### توضیح اسناد اعیان فوری علا

بنای در خواست و دستور خاتم زاله اصفهانی، قرار است من چند کلمه‌ای در مورد ایشان خدمت تان عرض کنم. البته خاتم اصفهانی در فلسفی که ملاحظه شد، راجع به شعر و نظرات ادبی خودشان به تفصیل صحبت کرد: «اند و من غیاری نمی‌بینم که خیلی به آن پیر دارم. این است که بیشتر یک مقدار از حسن‌های خودم را راجع به شاعر بزرگوار سر زدن مان می‌گویم. و اگرچه می‌دانم که بیشتر خاتمنها دوست ندارند از من و سال خودشان آغاز کنند، من اما دوست دارم با کسب اجازه از خاتم زاله اصفهانی، از من و سال‌دان شروع کنچ شاید به سودای اینکه به شما شان داده باشم که چرا در این لحظات گز جمیعه بعد از ظهری از همه زوئن ۲۰۰۲ با حضور زاله اصفهانی در میان جمع گرچک مهاجرانی که از برایر ظلمت جهول گریخته، همگی طی در برایر قلوبخ نجد طلبی جامعه‌ی خویش استادهایم و لحظاتی تاریخی را می‌گذرانیم و طی آن از زنی بلندآتشیه و هماره در گیر جریان می‌بازد های خستگی تا پذیر برای شکست سدهای تاریخی، و من در پیش پای زنی از کوچه باخهای اصفهان اوایل حکومت داشتم، تجلیل می‌شود.

علم اصلی این زن ایل بود. در ۱۳ سالگی، ناسی که مادرش به او داده بود یعنی زاله وا به عنوان تخلص و نام برای خود بگزید. سلطنتی نام فاعلی پدری بود. پس از ازدواج، بی‌نام زاله پدیده نبریزی شاخته شد که مردمان سر زدن می‌های وسیع اتحاد جماعتی شوروی ساقی او را به همین نام شناختند. اما امروز از او یا نام زاله اصفهانی تجلیل می‌کنند. گویی هر نام برای زاله بوسی بود که ام در هر مرحله از سفر عمر خویش آن و با دور المکنه، تا نقویم روزگار خود راعلامت‌گذاری کرده باشد. در سال ۱۹۴۶ مجموعه‌ی شعرهای زاله به قام هزندور و دی بهزیان فارسی در مسکو منتشر شد. افغان‌ها از آن روش به اشیاء زاله را زندگی نمی‌شنند. زاله در سوگذشت خود به نام سایه سال‌هاه نام فارسی مستانه را برای خود انتخاب کرد.

مستانه زاله سن اروا ۸۱ سال نشان می‌دهد و اعلام می‌دارد که او متولد سال ۱۳۰۰

10/10

10/10

ଏହା କିମ୍ବା ଏହାରେ କିମ୍ବା ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ

ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ ଏହାରେ

10/10

10/10

## معرفی ڈاله اصفهانی، ذن برگزیده مال

به راستی اگر ڈاله در این حانه بود و بهزادی به سفری که برای ۳۳ سال بی بازگشت  
سی فمود فرقه بود اکنون ما چگونه شاعری را درین خودمان داشتیم؟ به این گونه اگرها،  
اما پاسن روشنی نمی کوئان دارد هر کس مخصوصی آنچه هایست که خواسته و تا خواسته بر  
او رفته است. ڈاله به حال، حالاً شاعر هجران و غرب است. این اکنون هوت است اوست.  
با شکست ماجرای آذربایجان، افسر جوانی که به هوا برها داشتن آذربایجانی تو به  
پیشگردی پیوسته بود ناچار به خروج از تبریز می شود و زی جوان خود را نیز به همراه  
می برد. ڈاله تو شه است که تنها وقتی در بیانات های آن سوی رود لرس به انتظار صدور  
اجازه ورود از جانب استالین بودند، فهمیده است که دیگر در خاک ایران نیستند و  
طی خود فراقی ۳۳ ساله اکنون می داشتند. بدین ساز، عمر جدید ڈاله در بیست و سه چهار  
سالگی آغاز می شود. او شاعر فارسی زبان تایبیکستان و آذربایجان شوروی و مسکو  
می شود. کتاب هایش به زبان های دیگر خلیق های توروسی منتشر می شوند. به دیدار شاعر  
بزرگ ایران، ابوالقاسم لاموتی می رود، تا بستر عرک بدرقه اش می کند و اندوه مردن در در  
از وطن را در چشم های لاهوتی می بیند. دو فرزند پسر به دنیا می آورد. درس می خواند. از  
دانشگاه مسکو دکترا می گیرد. به قول خودش «سبزه های سرشن شکوفه دار می شوند» او و  
می سراید:

بهار تازه نفس،  
آحمد و پرستوها  
پرسوی لانه خود شاده اند بروکشند  
پرندگان سفر کرده از گلستان ها  
برای ساختن آشیانه بروکشند

تو هم به باد چمن های خرم وطنی  
که هفت ولک دلخواه نوبهار شده  
دلت گرفته از آن رو که سبزه های سرنت  
پرور گلور جدایی شکوفه دار شده.

از تاریخ سرایش این شعر در ۱۳۴۷ (ا.ن) انقلاب سال ۱۳۵۷، هنوز ۲۶ سالی راه است. اما  
او آن روز چنان سخن می گوید که گنوبی ترجیح حال امروز ما را نرسیم کرده باشد:

عرفی زاله اصفهانی، زن برگزیده سال

من بوسی از من  
اهل کجا میم  
من کولی ام  
من دوره گردم.  
بوزدهی آندوه و دردم.

بر نقشی دلیا غظر کن  
با یک نظر از موز کشورها گذار کن

نمی شک نیایی سوزینی

### (کامیابیا سرمه دار درم سین)

اما جالبتر از همه این نگاه است که شعر این شاعر بپروردگاری آندوه و درد، همواره  
از ایندی عجیب نسبت به آینده و پیروزی لامحاله‌ی انسان آزاده، آزادیخواه و عدالت‌جو  
میشه سرشار بوده است. می‌گوید:

منقدان پیویسد هرچه میتوانید

ولی تکوید این را که:

زاله توک وطن کرد.

بس اسان ز وطن دور و در وطن هستند  
بس اکه در وطن هستند از وطن دورند + استند  
زیخت قیره نداشتند چشم دل کوران  
که بنت بوسنی هرگز وطن بوسنی نیست.  
بنت کلی

بنت ذریع  
جو هر بنت دیگر  
خلل پدیده بود

لیک آنچه جلویید است  
وجود مردم و تاریخ و رزم و اندید است

و من

وطن را

با این جهار  
دائم دوست.

والله پس از انقلاب به ایران بازگشت اما وطن را سر نمیداده و طعم جوانی گشته در اصفهان را دیگر باره نوشیده مجبور شد که باز ترک وطن گرد.

من زاله را نخستین بار ۴۳ میل پیش در کتابخانه نویسنده‌گان ایران دیدم. باور نمی‌کردم که زنده مانده و لویی را که در کتاب کنگره نویسنده‌گان ایران سال ۱۹۷۵ یافته و معلم جاگم کرده بودم در قام زنی که خادت داشت به هنگام شعرخوانی پشت یکه عضله‌ی باضم و سدایش را با آوح و فرود شعرخوانی خواهی کرد باز هایم من زودتر از ایران بیرون زدم آخرین دیدارمان در خانه‌ی خانم سیمین بهمنی بود در او می‌شد اضطراب هجرت فاگریز دیگری را حس کرد. بزودی در لندن به مایپوست. وقتی من و شکوهه میرزا لادگی پونه ازدواج سنتیم او جام شرفبیش را به سلامتی ما نوشید و بدین مسان، جزوی از زندگی ما شد. شبی در خانه‌ی لندن کتابه «البرز بی شکست» را که تازه منتشر شده بود، به دستم داد. در گوششان نشستم و کتاب را پیدا کت خودم و لب‌های سخنخوانی را که شعرهای دخواه من در آن جاپ شده بود را زدم. شعرهایی ساده، پر از عاطفه‌های شخصی و انسانی، هر لغت نصباوری با اینهم درآمیخته که به جای تعبیل فکر شاعر، خوانتنده را به ذکر کردن آزادانه وادلو می‌کرد. کتاب را به او پس دادم. ورق زد. لحظاتی خاموش بود. بعد سر برداشت و مراد سکوت نگریست. آنگاه گفت: «عجب است آقای نوری علاوه‌ای شعرها را خود من هم خیلی دوست دارم اما می‌دانید که در شوروی گفتن لین گونه شعرها کار ضبط‌سازی نمود

ایدئولوژیکد صدیقه شدو تمثیله هستند، فمی‌کنند؟

وهدتر من بزرگداشت زاله اصفهانی در کنفرانس که انسان به مسئله زن، مذهب و ایدئولوژی می‌پردازد نظرانی شنگفت است. زاله لاقل پنجه سال است که در کتاب کشیدن درد هجزان از وطن، درد تحملات ایدئولوژیک را هم با پوست و استخوان خوبیش چشیده است و در همه‌ی آن احوال، هم به وطن و هم به انسان آزاد شده از بند هر چه مذهب و ایدئولوژی است اندیشیده است. لذا تجلیل از او در این کنفرانس وظیفه‌ی همه ما و بروگذاشت او در این کنفرانس حق سلم است. رسیدن این روز را به زاله نزیر تبریک می‌گوییم و عمری دواز و پریلو برایش آرزو دارم. و نیز وظیفه درم از خانم گلزار نمین دعوت کنم که به روی صحنه بیایند و مراسم بزرگداشت معلم سلطنتی، زاله سلطنتی، زاله خصمی و حمایتی زاله اصفهانی را بکجا آغاز کند. مشکم

زندگانی در